



اشاره: نفس انسان مکار است و این مطلب در روایات و ادعیه صریحا و مکررا بیان شده است. حیلۀ گری نفس در این است که هر گاه امر خوبی به او عرضه شود، به جای اینکه تسلیم آن خوبی شود و خودش را متناسب با آن تغییر دهد، با آن امر و توصیه خوب، مدارا می‌کند و آن را به شکل خودش درمی‌آورد. یکی از وجوه مکر نفس این است که از هر جایی جلوش را بگیری، اگر ببیند با سُمبه پرزوری داری جلوش را

می‌گیری، مانند یک جاسوس یا چریک، به ظاهر تسلیم می‌شود اما بعد می‌رود از جای دیگر نفوذ می‌کند. وقتی انسان سدی مقابلش قرار می‌دهد که دیگر حرکت نکند، به جای شکستن سد، می‌رود از جای دیگری خودش را نشان می‌دهد، مثلا به نفس می‌گویی: «تواضع باش. تکبر بد است». وقتی می‌بیند در مقابل این حرف منطقی، که جو جامعه هم آن را تأیید می‌کند و همه از تکبر بدشان می‌آید، نمی‌تواند مقاومت کند، به خودش می‌گوید: «من دوست

دارم همه مرا بزرگ بدانند. ولی جامعه تکبر را ملامت می‌کند. عیبی ندارد. تواضع می‌کنم و با تواضع خودم را بزرگ نشان می‌دهم». همین تواضع را در دستمایه ارضای خود تکبر خودش قرار می‌دهد و با تواضع کردن خودش را بزرگ جلوه می‌دهد. لذا اگر حقیقتی مثل اسلام را هم به چنین انسانی بدهید، این انسان به گونه‌های مختلف این اسلام را به نفع خودش مصادره می‌کند و این اسلامی که می‌خواهد نفسانیت انسان را کنترل کند تا فطرت انسان شوکفا شود، در همان نفسانیت گیر می‌کند. نفس مکار، اسلام عرضه‌شده را تغییر شکل می‌دهد و از آن پس نفسانیتاش با مسلمانی جلوه می‌کند و با این اسلام تبدیل یافته، تئذیه می‌شود.

۱- **اسلام انقلابی، رسواکننده اسلام متظاهرانه**
عُرض ما برای سخن گفتن از اسلام انقلابی چیست؟ عرض، مقابله با ۴ مدل اسلام تحریف‌شده و روح‌یافته است، یکی از این اسلام‌ها، اسلام متظاهرانه است. مسلمانی که متظاهرانه مسلمانی می‌کند، با

انقلابی بودن یا نبودن، محک می‌خورد. خصوصا در شرایط امروز که برخلاف ابتدای انقلاب، شرایط اقتضای وجود یک جو انقلابی‌گری را ندارد. مسلمانی متظاهرانه خیلی حال انسان را از اسلام به هم می‌زند. وقتی می‌گوییم اسلام انقلابی، یعنی مسلمانی متظاهرانه نداشته باش، انقلابی باش. انقلابی تظاهر نمی‌کنند. انقلابی حاضر است حذف شود. شهید چمران نمونه یک انقلابی است. زمانی

که مظلوم واقع شده بود، در نوشته‌اش به دوستانش می‌نویسد: «وقت‌تان را برای دفاع از من نگذارید، من اهمیتی ندارم. به کارهای خودتان برسید». هر کس خودش می‌خواهد بفهمد متظاهر است یا نه، ببیند انقلابی هست یا نه؟ اگر الان اهل احتیاط، ترمز دستت کشیدن، حال خالی دادن، سکوت و مماشات بود، اگر به سادگی یک حرکت انقلابی را تندروی معرفی می‌کند و در زمانی که باید میان حق و باطل قضاوت و انتخاب کند، بین حق و باطل باقی می‌ماند و عدالت را در تعادل بین حق و باطل می‌داند، او یکی از علامت اسلام متظاهرانه را دارد. معلوم می‌شود تا حالا متظاهرانه مسلمان بوده است؟ البته اسلام متظاهرانه با اسلام منافقانه یکی نیست. مسلمان متظاهر به دنبال نشان دادن و تظاهر به خوبی‌هایی که در او وجود دارد، است. تحمل حذف شدن و تحویل گرفته نشدن را ندارد. تحمل غربیی کشیدن را ندارد. چون عشق به اسلامش با عشق به تظاهرش عجین شده. مسلمان انقلابی باید غربیی بکشد، به همین دلیل با اسلام متظاهرانه سازگاری ندارد.

۲- **اسلام انقلابی قیام‌علیه اسلام منافقانه است**
اسلام دیگری که مقابل اسلام انقلابی قرار دارد،

اسلام منافقانه است. مردم ما هنوز مسلمانی منافقانه را تجربه نکرده‌اند و نشناخته‌اند. مسلمانی منافقانه این است مثلا کسی در عرصه سیاست سال‌ها قشنگ‌ترین و بهترین حرف‌ها را علیه اسرائیل بزند اما در روابط پنهانش با خود مدعی است که اسرائیل رد گیر شد ولی چون جو اقتضا می‌کند، من اینگونه می‌گویم. این خیلی نامردی است. منافق را اصلا نمی‌توان به این سادگی شناخت. او هر حرف حقیی را که بگویی، براحتی تأیید می‌کند و پشت پرده براحتی علیه هر حرف حق که در ظاهر قبول کرده، عمل می‌کند. اما بسیار حساب‌شده بعضی‌ها که التقاط‌اندیش هستند و صریحا دبدب‌گاه تقاطقی خودشان را می‌گویند، بعضی‌ها که غریزه هستند و صریحا غریب‌زدگی خودشان را می‌گویند، آنها منافع نیستند، آنها همین هستند که می‌گویند و نشان می‌دهند. منافق ویژگی‌های عجیبی دارد

مثلا رسول خدا می‌فرمایند: منافقی یکی از کارهایی که خیلی برایش راحت است، گریه کردن است. الْكَافِرُ يَبْكُ عَيْنِيهِ بِيَكِي كَمَا يَبْشَأُ (میزان الحکمه، ج ۱۲، حدیث ۲۰۶۰۲). منافق اختیار چشم خودش را دارد. هر وقت بخواهد گریه می‌کند. مردم ما هنوز منافق ندیده‌اند. سازمان مجاهدین خلق، منافق نبودند. آنها علناً با امام مخالفت می‌کردند. منافق کسی است که وقتی می‌گوید امام، اشک بریزد و در تمام مدت علیه خط امام کار کرده باشد و کار بکند. ما هنوز منافق را به صورت جدی تجربه نکرده‌ایم. اما رفتار و مضمون منافقانه، کجا رسوا می‌شود؟ در مقابل اسلام انقلابی، وقتی اسلام انقلابی می‌خواهد با دشمن محکم درگیر شود، اسلام منافقانه می‌گوید: «بالآخره نباید در درگیری با دشمن تندروی کرد. حظه دارد» و این محک را قرآن کریم آرد مسند داده است. (مانده، ۵۱ ه ۵۴؛ همچنین رک: تفسیر المیزان ذیل همین آیت) قرآن کریم می‌فرماید: منافق تحمل مبارزه سخت با دشمن را ندارد. دلش را از هم علناً با امام مخالفت می‌کردند. منافق کسی است که وقتی می‌گوید امام، اشک بریزد و در تمام مدت علیه خط امام کار کرده باشد و کار بکند. ما هنوز منافق را به صورت جدی تجربه نکرده‌ایم

به زبان ساده، یعنی می‌گوید: «ببینیدا من می‌خواهم آنها الکی به ما ضربه نزنند. چرا الکی هزینه کنیم؟» اسلام انقلابی ضد اسلام منافقانه است. البته اولاً نمی‌توان کسی را به نفاق متهم کرد. مگر اینکه کسی اطلاعات بالایی داشته باشد. ثانیاً تعداد قابل توجهی از منافقین، نفاق ناخودآگاه دارند. و این در مباحث انسان‌شناسی، مکانیزمی دارد که چطور می‌شود انسان نفاق خودش را به دلیل توانایی‌ای که نفس انسان در

ظاهرسازی و فریب‌خود دارد، باور نمی‌کند.
۳- **اسلام انقلابی مقابل اسلام عافیت‌طلبانه**
اسلام انقلابی مقابل مسلمانی عافیت‌طلبانه نیز هست. مسلمانی عافیت‌طلبانه چیست؟ نه دنبال تظاهر است و نه منش منافقانه دارد بلکه رهاطلب است. راحتی را همه دوست دارند. عیبی هم ندارد اما وقتی رفاطلبی بر اسلام‌طلبی غلبه کند، اسلام عافیت‌طلبانه شکل می‌گیرد. کسی که می‌گوید: من تا وقتی رفاهم لطمه نخورده مسلمان هستم، این یعنی او مسلمان نیست. بر همین اساس بود که امام حسین(ع) در مسیر کربلا فرمودند: اِنَّ النَّاسَ عِبَادٌ لِلّٰهِ وَالَّذِينَ لَنُقَىٰ اِلٰى اَلْسِنَتِهِمْ، يَخُوطُوْنَهُ مَادَرَئْتَ مَعًايْهُمْ، فَاِذَا مَحْبُوصًا بِالْبِلَادِ قُلَّ الدِّيَارُونَ (تحف العقول، حدیث ۱۲۴۵).
بلا بعضی‌ها را از مسلمانی درمی‌آورد و به نامسلمان تبدیل می‌کند. بلا بعضی‌ها را تبدیل کرد به قاتل امام حسین(ع). برخی از کسانی که به کربلا آمدند و با امام حسین(ع) جنگیدند، فقط تحمل پلانداشتند. همه چیز را قبول داشتند، بعضی هم نداشتند اما شمشیر می‌زدند، آنهاهایی هم که شمشیر نداشتند، سنگ می‌زدند. حتی برای غربت حسین هم گریه کردند(پهوف سید بن طاووس، ص ۱۳۴) پس چرا با حسین(ع) جنگیدند؟ چون یک شایعه شنیده بودند

که یزید دارد با لشکرش می‌آید، تا کوفه را به دلیل بیعت با امام حسین(ع)، با خاک یکسان کند. طاقت بلا نداشتند. اینها مسلمانی عافیت‌طلبانه داشتند. عافیت خوب است اما اگر عافیت‌طلبی از اسلام‌طلبی پیشی گرفت، وضعیت دیگری پدید می‌آید. مسلمانی عافیت‌طلبانه مقابل اسلام انقلابی است. نمونه‌اش کربلا. ما چرا از اسلام انقلابی سخن می‌گوییم؟ برای اینکه می‌خواهیم ضد مسلمانی عافیت‌طلبانه قد علم کنیم. مسلمانی عافیت‌طلبانه با اسلام انقلابی محک می‌خورد و خودش را رسوا می‌کند. مسلمانی عافیت‌طلبانه، ظرفیت ضدیت با اسلام را هم می‌تواند پیدا کند.

۴- **اسلام انقلابی مقابل اسلام صوفی‌گرا نه**
چهارمین نوع اسلامی که مقابل اسلام انقلابی قرار دارد، اسلام صوفی‌گرا نه است. عبارت «اسلام انقلابی» تعبیر حضرت امام است، در منشور روحانیت امام مهم‌ترین نمره جنگ را استمرار اسلام انقلابی می‌دانند: «.. و از همه اینها مهم‌تر، اینکه ا استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۳) اسلام انقلابی مقابل مسلمانی صوفی‌مآبانه نیز هست. مسلمانی صوفی‌مآبانه هم یک نحوه تبدیل و تحریف اسلام است به آن چیزی که نفس می‌طلبد. نفس انسان به انسان می‌گوید: «ببین!

من می‌خواهم لذت ببرم، من می‌خواهم کیفی داشته باشم که تقسمم حال بیادتمند، حالا تو می‌خواهی مسلمان شوی، مسیحی شوی، یهودی شوی، کمونیست شوی، گیر شوی، برای من فرقی نمی‌کند. من باید کیفم را بکنم.» ذائقه بعضی‌ها اینگونه است که وقتی اسلام را به او معرفی می‌کنند، می‌گویند:

«می‌شود ما از این اسلام، فقط آن وجهه عارفانه، معنوی و صوفی‌مسکلانه‌اش را بگیریم- و با آن حال کنیم؟» ذکری بگویم و وردی؟ مستی کنیم و خوش باشیم؟ نمی‌شود بی‌خیال بقیه‌اش شویم؟»
اما نفس به خودش می‌گوید: «این‌چوری که خیلی ضایع است. بخرید اسلام را چه کار می‌کنی؟»
انگاه نفس چاره‌اندیشی می‌کند می‌گوید: «آن قسمت اندیشناک من کجاست؟ بیا تنوریزه کن!»
انگه می‌آید با تنوریزه کردن، علیه بقیه ابعاد دین قیام می‌کند و دین را به یک دین حدالقی تبدیل می‌کند. و چقدر دین حدالقی صوفی‌مآبانه یک دین ضدانقلابی است. امروز برخی روشنفکر نماها اسلام صوفی‌مآبانه را ترویج می‌کنند. بعضی‌هایشان هم پشت ادبیات عرفانی پنهان شده‌اند و اسلام معنوی، عرفانی و حدالقی را ترویج می‌کنند. در اتاق فکرهای جنگ روانی‌شان می‌گویند ما باید روی اسلام صوفی‌مآبانه تأکید کنیم، تا عشق به مقدسات، عشق به اسلام و معنویت جوانان ارضا شود، و اسلام انقلابی بمیرد و نابود بشود. از اسلام انقلابی خوشی نمی‌آید. چرا؟ می‌گویند: ما به دلیل همین نفسانیتی که مرا دعوت می‌کند به یک اسلام حدالقی و صوفی‌مآبانه و گرم و نرم و یک اسلام یواشکی، من به همین دلیل از اسلام انقلابی نفرت دارم. آن وقت پیامبر گرمای اسلام(ص) می‌فرمایند: ربانیات امت من در جهاد است؛ اِنَّمَا رَحْمَتِيْةٌ اُمَّتِي الْجَهَادُ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ (المالی مسنون، ج ۶۶). پیامبر گرمای اسلام(ص) در جای دیگری می‌فرمایند: تفریح و گشت و گذار جوان‌های اامت من در جهاد است؛ ان لكل امة يسباحة، و يسباحة امة الجهاد في سبيل الله (میزان الحکمه، ج ۲، ح ۲۸۳) اسلام عافیت‌طلب می‌گوید: برویم پیک‌نیک. پیک‌نیک یک انقلابی یک کار جهادی است. پیک‌نیکش جبهه است و الان که جبهه نیست، انقلابی‌گری، البته بانگوش عافیت‌طلبی، تفریح را مژمت نمی‌کنیم. تفریح کردن بد نیست اما هر کس، وقتی برای تفریح به باغ و بستان می‌رود، با آنچه عامل تفریحش است، تفریح می‌کند. آیا جوک عامل تفریحش است یا یک بحث انقلابی؟ یک انقلابی می‌رود باغ، یک گفت‌وگوی

انقلابی می‌کند و برای نجات بشریت از ظلم و نجات دین از تحریف نقشه می‌کشد و با این گفت‌وگوی انقلابی انرژی می‌گیرد. بنابراین وقتی اسلام انقلابی می‌گوییم، منظورمان رد کردن کدام اسلام‌هاست؟ منظورمان رد کردن آن ۴ اسلام است. حضرت امام تندترین، سخت‌ترین و سهمگین‌ترین سخنانشان علیه انواع مسلمانی غیر انقلابی بود، علیه اسلام مرفهان بی‌درد بود. علیه مسلمانان عافیت‌طلبی که درد ندارند. البته اسلام صوفی‌مآبانه بی‌درد هم داریم. کسی که درد ندارد، چه فرقی می‌کند که توجیه عافیت‌طلبانه کند یا توجیه‌های دیگر؟ بالاخره وقتی مصلحت کلان نیست، می‌گوید: «ما کاری برائما نکرده ایم.» هر کسی باید پایش را به اندازه گلیم خودش دراز کند»، «لان که شرایط برای اصلاح مهیا نیست، باید اصل اسلام را حفظ کنیم.» بعد هم اشاره به خودش می‌کند. «ما نباید اسلام را در معرض خطر قرار بدهیم». یا توجیه‌های عافیت‌طلبانه می‌کند یا توجیه‌های صوفی‌مآبانه. به هر صورت، درد را باید از سینش بیرون ببرد. کسی که متظاهر است، درد اسلام در سینش نیست. کسی که منافق است، درد اسلام در سینش نیست. اما اسلام انقلابی، اسلام دردمندانه است. در اسلام انقلابی این ۴ ویژگی نیست و کسی که مسلمان شد، اولاً در معرض این ۴ خطر قرار می‌گیرد. هر کسی مسلمان شد باید مراقب این ۴ خطر باشد. تولید فکر اسلام‌ها، توانایی نفس مکار انسان در دور زدن خوبی‌ها را نشان می‌دهد. به طوری که برای هر روحیه‌ای، اسلامی طراحی می‌کند که مؤید نفسانیت او باشد. اسلام انقلابی، کمک می‌کند مسلمانان را در مقابل عملیات فریب و مکر نفس

برای تحریف اسلام بایستند.

■ **اسلام غیرانقلابی جذاب نیست**

امروز گرایش جوان‌ها به اسلام از اول انقلاب و دوران دفاع مقدس بیشتر است اما بالاخره بعد از سی و چند سال نفوذ بخشی از جوانان هستند که گرایش به اسلام در آنها نیست یا کم است. یکی از دلایل این عدم گرایش جوان‌ها به اسلام بعد از سی و چند سال و در عوض گرایش به هرزگی‌ها و برخی امور دیگر این است که اسلامی که به آنها عرضه شده، اسلام غیرانقلابی است. اسلام غیرانقلابی جاذبه ندارد، گرم‌کننده نیست، آتش نیست که وجود انسان را شعله‌ور کند. اگر این اسلام وجود جوان را گرم و شعله‌ور نکرد و او سعی کرد وجود خودش را با می‌گساری‌ها و هرزگی‌های دیگر پر کند، گناهش به گردن کسانی است که اسلام انقلابی را معرفی نمی‌کردند. اسلام بسدون جاذبه را معرفی می‌کردند؛ اسلامی که نمی‌تواند گرمابخش وجود یک جوان باشد. اینقدر فیلم‌های اسلامی توسط منتقدیان ساخته شده اما حادالقی را معرفی می‌کنند. در یکی از سخنرانی‌های بیت مقام معظم رهبری عرض کردم: اگر دشمنان ما بدانند معرفی کردن اسلام غیرانقلابی چقدر به جوانان ما ضربه می‌زند، همه فیلم‌های مستهجن خودشان را جمع می‌کنند و شروع می‌کنند فیلم اسلامی ساختن اما فقط اسلامی که از آن، امام حسین درنیايد، سیدالشهدا و کربلا و شهادت درنیايد. فیلم‌هایی ساختند که در آن ظلم‌های

می‌آورند، اخلاقی و معنوی حرف می‌زند و دعوت به معنویت می‌کند. آدم خوبی هم هست اما درد دین در او نیست. حتی اسلامی که گاهی از اوقات درد مردم به صورت جزئی و صرفاً در حد یک مؤسسه خیریه، در آن هست اما درد دین در آن نیست. به تفاوت این دو دقت فرمایید. آیا اگر کسی درد مردم را داشته باشد انقلابی است؟ بستگی دارد

درد مردم را در چه اندازه‌هایی داشته باشد. اگر صرفاً در اندازه‌های یک مؤسسه خیریه باشد و محدود به نارضاحتی در درد چند تأییم و فقیر محلی خودش باشد، او انقلابی نیست. اما اگر بند کرد و گیر داد به علت فقر همین یک دانه فقیری که در محله‌اش هست، یعنی با عوامل فقر

**گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین پنهان‌یان در باب مفهوم انقلابی بودن**

# اسلام انقلابی مقابل چهار اسلام

مبارزه کرد و با اسرائیل جنگید، او انقلابی است. و الا آدمی که برای فقیر پول جمع می‌کند و می‌گوید این کار خوبی است اما با اسرائیل نمی‌جنگد که علت فقر فقراست، او راست نمی‌گوید. یتیم‌نوازی چمران قبول است، چون با مسلسل مقابل صهیونیست‌ها می‌ایستد. او اگر مؤسسه خیریه بزند، درد مردمش قبول است

و الا کسی که اضافه مالش را در مؤسسه خیریه می‌گذارد اما کینه اسرائیل را بد دل نمی‌گیرد، چگونه درد مردم را دارد؟ اسلام انقلابی سرش کلاه نمی‌رود. فیلمی که دعوت به اخلاق می‌کند، باید دید چگونه دعوت به اخلاق می‌کند؟ ریشه بداخلاقی، صهیونیسم و استکبار جهانی است. اگر از این فیلم، مرگ بر آمریکازدنی‌آید، این اخلاق‌بازی را باید از سینش بیرون برد. کسی که متظاهر است، درد اسلام در سینش نیست. کسی که منافق است، درد اسلام در سینش نیست. اما اسلام انقلابی، اسلام دردمندانه است. در اسلام انقلابی این ۴ ویژگی نیست و کسی که مسلمان شد، اولاً در معرض این ۴ خطر قرار می‌گیرد. هر کسی مسلمان شد باید مراقب این ۴ خطر باشد. تولید فکر اسلام‌ها، توانایی نفس مکار انسان در دور زدن خوبی‌ها را نشان می‌دهد. به طوری که برای هر روحیه‌ای، اسلامی طراحی می‌کند که مؤید نفسانیت او باشد. اسلام انقلابی، کمک می‌کند مسلمانان را در مقابل عملیات فریب و مکر نفس

حضرت امام(ره) علیه انواع اسلام‌هاست؟!
الان اگر مسلمانی در آمریکا بخواهد مؤسسه خیریه یا مسجد بزند، کمال همکاری را با او می‌کنند. حتی در برخی ایالت‌ها، شهرداری تا شعاع ۲۰۰ متری مسجد، اجازه برپایی قمارخانه، دانسنینگ و… را نمی‌دهد. چون دولت تصمیم دارد از یک مسجد، معبد، کلیسا و کنیسه حمایت کند. آن وقت برخی انسان‌های نادان و ظاهرین هم می‌گویند «آنها به معنویت بها می‌دهند». این همان اسلامی است که حضرت امام اسمش را می‌گذاشتند اسلام آمریکایی. این همان اسلامی است که هدفش دور نگه‌داشتن مردم از اسلام انقلابی و به خاک سپردن اسلام ناب و اصل است. آن وقت هنر را حضرت مردن چگونه تعریف می‌کردند؟ تعریف‌های امام از هنر خیلی عجیب است. می‌فرمایند هنر باید خداستگار باشد:

«هنری زیبا و پاک است که بوینده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد، و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۹). یعنی هنر باید خداستگار باشد، یعنی اصلا هنسر کار دیگری غیر از این ندارد. حضرت امام درد را از این کمتر نمی‌گفتند. می‌گویند من مردم آمده است می‌خواهم هنرمندی کنم. وقتی دردش را نگاه می‌کنی، می‌بینی در سطحی‌ترین و نازل‌ترین موضوعات مانده است. خدایا! این درد است؟ دردش این شده که ۴ تا خانم کافر سفره نذری حضرت ابافضل غیبت می‌کنند. رفته یک لبنینی است که در خط مقدم انقلاب جهانی اسلام است را آورده، او را از آن درد بلند جهانی پاکیزه می‌کند، او را از لب مرز ظهور و نابودی استکبار آورده، آنوقت دردش را این قرار می‌دهد که چرا این دو نفر با هم قهر هستند؟! به هر حال این هم سلیقه‌ای است دیگر! گفت: سلیقه‌اش من را کشته!

■ **با اسلام انقلابی می‌توان سرمست شد**

البته اگر هم کسی امام را قبول نداشته باشد، ما عقلانی از امام دفاع می‌کنیم. ما نسبت به امام تعبد نداریم، عقلمان هم همین‌را می‌گوید. امام برای ما معبود نیست، معقول است. کسی فکر نکند اینها چشم‌پسته خودشان را به امام بسته‌اند و دیگر تکان نمی‌خورند. نخیر!ا عقل ما هم همین‌را می‌گوید، ما وقتی از امام سخن می‌گوییم، می‌خواهیم سرعت انتقال مفاهیم را افزایش دهیم اما اگر برای کسی جانمی‌افتد، ما خودمان عقلانی و تا تحلیل از امام و اندیشه‌های او دفاع می‌کنیم. اسلام انقلابی یک اسلام لذتبخش و شورآفرین است که اگر این اسلام را عرضه کرده بودیم جوان‌هاى ما الان عشق به اسلام‌شان هزاران برابر بیشتر بود. با اسلام انقلابی می‌شود پایکوبی کرد. با اسلام انقلابی می‌شود عالمی را به وجد آورد. با اسلام انقلابی می‌توان سرمست شد. با اسلام انقلابی می‌توان خود را فراموش کرد. مردم